



معلم تمدن ساز خوین اسلامی

گاهنامه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد

سال دوم،شماره چهارم،چاپ آذر
مجموع انتشار نشریه در جلسه شماره یک کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه فرهنگیان مورخ ۱۳۹۹/۷/۹ صادر گردید.

قیمت : صلوات



استاد سلام



استاد سلام این شماره به سراغ یکی از اساتید محبوب دانشگاه و بخصوص دانشجویان رشته ی تاریخ رفته است. این گفتگوی جذاب و صمیمی را از دست ندهید. گفتگوی فاطمه سرمدی با استاد دکتر فروزان ادیب فر

سرپرست اسبق پردیس آیت الله کمالوند: اگر به گذشته برگردم باز هم معلمی را انتخاب می کنم اصلا نمی توانم به شغل دیگری فکر کنم

سلام و عرض ادب خدمت شما سرکار خانم دکتر ادیب فر،از اینکه این وقت را به مجموعه ی نشریه متنا بسیج دانشجویی دادید بسیار سپاس گذاریم.

استاد دانشگاه متفاوتی نسبت به گذشته تجربه می کنیم به عنوان کسی که سال ها در کسوت تدریس در دانشگاه ها بوده اید، کمی از این روزها و حس و حال متفاوتش بر ایمان بگویید.

باسلام و احترام و آرزوی توفیق و سلامت برای شما. راستش هیچ وقت فکر نمی کردم روزی برسه که ما از طریق فضای مجازی درکلاس هامون حاضر بشیم یا اینکه مجبور باشیم حتی از دیدن عزیزانمون پرهیز کنیم.با کرونا وقرنطینه بود که بیشترین قدر و ارزش هرچه بیشتر حضور سایرین وخودمون پی بردیم، بدون شک همگی ما الان قدر با هم بودن و زندگی معمولی وعادی گذشتمون روبیشتر میدونیم.

کمی از روزهای دانشجوییتان بگویید،دانشجو در طول ترم درس خوانی بودید یا شب امتحانی؟

راستش دانش آموز خیلی خوبی بودم وبه تبعش دانشجوی خوبی ، منظورم از خوب یعنی اینکه وظیفه خودمو می دونستم والبته حقوق دیگران را هم آگاهی داشتم حتی که اساتید ودوستانم و اولیاء دانشگاه به گردنم داشتند. سعی می کردم تا جایی که برابم ممکن بود رعایت کنم ودر نگاهداشت امکاناتی که دانشگاه در اختیار ما قرار داده بود سعی وافر می کردم.میشه گفت به چشم امانت به همه چی نگاه می کردم ونهایت رعایت درحفظ و نگهداری از آنها را داشتم.کتاب های کتابخونه-جزوات اساتید چون گاهی چاپی به ما می دادند وپس می گرفتند-امکاناتی که درکلاس وخوابگاه بود.درمراسم ومناسبات دانشگاه حضور فعال داشتم.درانجام تکالیف وامتحانات وظیفه خودمو می دونستم وانجام می دادم.رعایت حرمت کارکنان -پرسنل واساتید انظرمین بسیار واجب بود ورعایت می کردم.به طوری که مسئول امور دانشجویی زمانی که اتاق ها رو تقسیم می کرد درانتخاب اتاق وهم اتاقی های من دقت میکرد وجالبه بدویند خودم متوجه این نبودم که چطور یک اتاق خوب با هم اتاقی های خوب نصیب من میشه و بعدها که درحال فارغ التحصیل شدن بودم ،متوجه شدم که این اتفاقی نبوده و یکی از هم اتاقی ها به من گفت؛ کارکنان امور دانشجویی به من گفتند که شما رو به اتاقی که یکی از دانشجویهای بسیار خوب انجاست می فرستیم باید رعایت کنی و به هرحال سفارشاتنی به ایشون کرده بودند.

یادمه امکان نداشت روی میزی دیواری کتابی یاچیزی کوچکتترین خطی بکشم -لامپی رو روشن بگذارم-شیر آبی باز بمونه -حتی اگر کسی فراموش می کرد من انجام می دادم.

استاد ایده آل شما در دوران دانشجویی چگونه استادی بود؟

راستش همه اساتید ما ایده آل وعالی بودند،نمیشه توقع داشت که همه اساتید در تدریس و رفتار مثل هم باشند همه ما ویژگی های خاصی داریم که مختص خودمان است اما درکلیات خب اساتیدی که علم واخلاق لازم را داشتند ومشروعیت وعلم را باهم بدست می آوردند وداشتند برای من الگو بودند وخوشبختانه تعدادشون هم کم نبود.
اگر به گذشته بازگردید باز هم معلمی را انتخاب می کنید؟ و اگر معلم نمی شدید چکاره می شدید؟
قطعا دوباره معلمی رو انتخاب می کردم و واقعا به شغل دیگه ای نمی تونم فکر کنم.همه شاغلین درشغل های مختلف را معلمین تربیت کرده وتعلیم میدهند، پس با ذکر این واقعیت که همه شغل ها مهم هستند باید گفت معلمی از همه شغل ها ارجح تر است ومعلم از نظر من تقدیس شده هست و اینجاست که به عنوان یک معلم بایستی ظرفیت شخصیت خودمون رو به عنوان یک معلم خیلی بالا ببریم که در تراز شغل مقدس بتوانیم قرار بگیریم.

نام استاد ادیب فر عجین شده است با رشته دبیری تاریخ این پیوند ریشه در چه چیزی دارد؟ چگونه می شود یک استاد اینگونه نزد دانشجویانش محبوب شود؟ علاقه به تاریخ در چه زمانی در شما شکل گرفت؟

اگر این حرف حضرتعالی واقعیت داشته باشه به نظرم میتونه رفلکس و واکنشی باشه که جهان خلقت درخصوص نبات واعمال به ما بر میگرددونه به عبارتی هیچ تلاش وزحمتی نزد خدای متعال واین هستی بی جواب ونتیجه نخواهد بود.راستش بنده درزمان مسئولیتیم در دانشگاه فرهنگیان استان لرستان سعی زیادی کردم تا رشته دبیری تاریخ به استان لرستان بیاد و اومد و تا سالها لرستان پایلوت رشته دبیری تاریخ کشور بود به عبارتی هرکسی می خواست دبیرتاریخ باشه می بایست درلرستان تعلیم وتربیت میشد و الان هم به هرحال لرستان یکی از معدود استان هایی است که این افتخار رو داره .

علاقه من به تاریخ از دوران دانش آموزی شروع شد و تا الان تاریخ محبوب ترین رشته تحصیلی من به حساب میاد.
دانشگاه فرهنگیان از آن دانشگاه های مهم است که از همان ابتدا مورد بی مهری قرار گرفت و جز مقام معظم رهبری، گویا عزمی در مجلس و دولت برای گسترش کمی و کیفی این دانشگاه و انحصار جذب معلم به این دانشگاه وجود ندارد.با توجه به اینکه شما سرپرست اسبق پردیس آیت الله کمالوند بوده اید نظرتان را در خصوص این بی مهری را بگویید.

شاید نگیم بی مهری ، بهتر باشه کاملا طبیعی است که گام های جدید با چالش همراه باشند دانشگاه فرهنگیان هم از این واقعیت مستثنی نبود و نیست سلايق متفاوت هست وبحث بودجه وهزینه های دانشگاه مورد مناقشه بود که الحمدلله با فرمایشات به جا و شایسته و تمام کننده مقام معظم رهبری این دانشگاه به جایگاه متعالی و با ثباتی که حقش بود دست پیدا کرد وامیدوارم که هرچه بیشتر هم دست پیدا کند.

شما از جمله منتقدین بسیج دانشجویی بوده اید و بسیاری از این نقدها را مجموعه بسیج دانشجویی هر چند دورا دور پذیرفته است،قریب به سه سال است مجموعه بسیج دانشجویی پردیس در مسیر تحول در آموزش و پرورش قدم های خوبی برداشته است آیا در جریان این اقدامات بوده اید و آیا علاقمند هستید با شاگردان خود در مجموعه بسیج دانشجویی در این راستا حرکت کنید.

از زمان تحصیل درمدرسه همواره عضو بسیج و بعدها بسیج فرهنگیان بوده ام و در زمان مسئولیتیم در دانشگاه هر کاری که در این خصوص از دستم می اومد دریغ نکردم در راه اندازی پایگاه بسیج دانشگاه وراه اندازی بسیج دانشجویی تا جایی که امکان داشتم انجام وظیفه کردم وگواه من هم تقدیر نامه هایی است که از مسئولین بسیج استان دارم.

بهترین خاطره ای که از تدریس در دانشگاه فرهنگیان در خاطرتان مانده است را،برایمان بگویید.

لحظه لحظه تدریس خاطره است و هر لحظه اش برای من مقدس و به چشم عبادت به آن نگاه می کنم، مثل محراب نماز که بایستی برای حضور درآن جسم وروح پاک و بی غش داشته باشیم برای ورود به ساحت مقدس جلسات درس و بحث هم بایستی آمادگی و شرایط مناسب را فراهم کنیم علم و اخلاق از هم قابل تفکیک نیست اگر جدا بشوند معلم شخصیتی ناقص خواهد داشت .خاطرات زیادی هستند از جمله ؛ یک روز دو نفر از بچه ها با هم حرف میزدند منم به اسم یکیشونو صدا زدم وگفتم فلانی کم فیلم هندی برای دوستت تعریف کن بگذار درسشو گوش کنه ، یکدفعه متوجه شدم هر دوشون ساکت شدند و متعجبانه به من نگاه می کنند خودم هم تعجب کردم که این ها چرا اینجوری شدند؟ ته کلاس هم نشسته بودند کلاس که تموم شد ،اومدن پایین کلاس ویکیشون پرسید استاد شما چطوری متوجه شدید من داشتم فیلم هندی تعریف می کردم....

دانشجومعلمان دیگر در این ایام امکان مدرسه رفتن و کارورزی برایشان میسر نیست واضطراب زیادی دارند.اگر ممکن است با دانشجومعلمان که حالا دیگر بالاجبار باید مجازی برای معلم شدن آماده شوند،سخنی بگویید.

صبور باشند

انشالله کرونا تموم میشه وحضور درکلاس های درس کارورزی به شکل واقعی خودش برمی گرده به نظرم کارورزی یکی از اصلی ترین دروس دوره تحصیلی شماست وباید آن را خیلی جدی گرفت.

والسلام

دانشجو چه کسی است؟

دانشکده فنی دانشگاه تهران بوی خون گرفت،کشتند سه فرزند نخبه ایران را!

تقریبا پنج ماه از کودتای ۲۸ مرداد گذشته بود، روز شانزدهم آذر ۱۳۳۲ دانشجویان در حالی به کلاس درس می رفتند که متوجه فضای کاملاً غیرعادی دانشگاه تهران شده بودند. حضور بیش از همیشه نیروهای امنیتی و البته لشکر دو زرهی در دانشگاه و خیابان های منتهی به دانشگاه متفاوت بودن این روز را به دانشجویان می رساند.

معاون رئیس جمهور آمریکانیکسون آن روز در تهران و در حال مذاکره بود و رژیم ستم شاهی که از عمق نفرت دانشجویان و نخبگان ایرانی از آمریکا و تمام آن هایی که ما را برای بستن پیچ شیر آب خانه مان به خود وابسته کرده بودند خبر داشتند، شدیدترین جو امنیتی خود را در پنج ماه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اعمال کردند.

دانشجویان اعتراض هایشان سرکوب می شد، ساعت دانشکده فنی دانشگاه تهران ساعت ۱۰ شب را نشان می داد که هنوز دانشجویان سر کلاس درس بودند تا اینکه یکهو چند نیرو مسلح وارد فضای دانشکده فنی شد و سه تن از دانشجویان را که به زعم خود اخلال گر و آشوبی بودند را به شهادت رسانند و عده ی زیادی را نیز، زخمی کردند.

آن شب دانشکده فنی بوی خون های پاک شریعت رضوی،بزرگ نیاقدنچی را گرفته بود، فضای هنری آن شب مهیب را فقط هنرمندان درک می کنند وقتی تفنگ ها حنجره های حق را نشانه می گیرند،خون خود بزرگترین پاسخ برای گلوله های ناحق است.آن ها کشتند سه تن از فرزندان نخبه ایران را، ولی خون آن جوانان که برای استقلال کشور خود بزرگترین دارایی خود را هدیه کردند نه تنها به فراموشی سپرده نشد بلکه آن ها راهی را ساختند، به نام استقلال و عزت ایران اسلامی ما امروز در راهی قدم برمیداریم که جان های عزیز امثال مصطفی بزرگ نیا فدایی آن شدند.

من فکرمی کنم به جواب سوالمان تا حدودی(دانشجو چه کسی است؟) رسیدیم ،دانشجو کسی است، که برای منافع ملی و اسلامی اش جان بدهد و بداند راه دانشجو بودن در جامعه مستقل امروز ما،با خون های عزیزی فرش شده است و حالا او باید نقش خود را در این فرش رقم بزند!



دانشجو معلم یعنی...؟

گردآورنده مطالب عاطفه جدایی،سارا شاهی وند

_تو با دانشجوهای دیگه فرق داری ! (سخن سردبیر: این روزا همه دوست دارند متفاوت باشند، شما که هستید معترضید آیا؟؟؟ خخخخ)

_دانشجومعلم یعنی : بدبختی! (سخن سردبیر: آخ که چقدر مشخصه از ته دل نگفتی،احتمالا قیلش دعوایی، چیزی بوده!)

_سرشار از انرژِی و انگیزه برای تدریس. نوشته محدثه (سخن سردبیر؛ به به بسیار هم عالی)

_دانشجومعلم یعنی چادر... (سخن سردبیر: چه جالب فکر می کردم چادر از ملزومات دانشجومعلماست نه معنی خود دانشجومعلم، خخخخ سیاس،سپاس)

دانشجو معلم یعنی؛ بدبخت تو سری خور... (سخن سردبیر: یه لیوان گل گاو زبون قشنگ آرومت می کنه،چخیره اینقدر عصبی هستی ،خخخخ) _دانشجومعلم یعنی افسر سپاه پیشرفت کشور.نهال درخت علم و پیشرفت ،دانشجومعلم یعنی خودت رو آماده کنی برای رسالت بزرگی که در پیش داری... نوشته محدثه پیشداد(سخن سردبیر:درد بر شما)



_دانشجومعلم یعنی؛ بنویس یعنی دق کردن فامیل از حسودی! (سخن سردبیر: آخ که دانشجومعلم شدن این روزا چه فخریه نه؟؟ ولی خدایی به بقیه کمک کنید در صورت علاقه مثل شما دانشجو معلم بشند و کسی هم دق نکنه این وسط!)

_دانشجو معلم یعنی؛ این که در این ایام سخت به یاد داشته باشیم که یک کتاب، یک خودکار،یک کودک و یک معلم می توانند دنیا را تغییر دهند. نوشته سارا عبیداوی(سخن سردبیر: سارا جان خواهر جمله خیلی عمیق بود،سخنی بود بعدا پی وی میفرستم ،خخخخ)

_دانشجو معلم یعنی؛ اندیشه و انقلاب تربیتی. نوشته فاطمه پولادوند(سخن سردبیر: انقلاب تربیتی چقدر نقطه زن گفتی فاطمه !)

_دانشجو معلم یعنی؛ آغاز یک مسیر زیبا. نوشته زهرا زمانی(سخن سردبیر: موفق و موید باشید در این مسیر)

_دانشجومعلم یعنی؛ به دوش کشیدن دو مقام والا در زندگی یعنی هم دانشجو بودن و هم معلم بودن هم در حال تحصیل هم در حال تدریس بودن، هم باید ویژگی های یک دانشجو خوب را داشت و هم یک معلم خوب ، واقعا وظیفه سخت و دلنشینی است. نوشته انیس حیدرزاده (سخن سردبیر: و چه زیباست و در عین حال دشوار،ادغام دو نقش خطیری) دانشجو معلم یعنی ؛ تحمل سختی ها برای تربیت انسان. نوشته رویا لک (سخن سردبیر: قبول دارید تحمل سختی ها واقعا آدم رو میسازه؟)

_دانشجو معلم یعنی؛ پیشرو مسیر ثمر دادن اذهان جوانه ها؛ یعنی جامه حقیقت برتن کردن اهداف تعلیم و تربیت؛ یعنی سراسر روحیه آماده باش و امید؛ کسی که قلبی از شور، شوری از ذوق و ذوقی از حس خوب معلم بودن دارد. نوشته سارا شاهی وند (سخن سردبیر: چقدر زیبا ماموریت هایمان را کنار هم چیدید خانوم،متشکرم)

_دانشجو معلم یعنی؛ سلاح و دانشگاه فرهنگیان انبار تسهیلات است این سلاح با تمام سلاح های موجود متفاوت است برای نابودی و به خاک و خون کشیدن نیست برای کاشتن عشق و محبت و پر کردن خلاء ذهن آینده سازانمان با علم و دانش است ،برای بارور کردن درخت علم و دانش است با این سلاح می توان از آینده سازانمان و دین و انقلابمان در برابر دشمن محافظت کرد. نوشته نگار دالوند (سخن سردبیر: رهبری معظم فرمودند امروز در عرصه تعلیم و تربیت جنگی به پاست این جنگ را جدی بگیرید.)

_دانشجو معلم یعنی ؛ عاشق،عاشق سوختن که ساختن...سرشار از دانایی و توانایی،با انگیزه ی پرتلاش . نوشته شراره منصوری(سخن سردبیر: سوختنی که می سازد چه تعبیر زیبایی)

دانشجومعلم یعنی ؛ آن کسی که برای انسان پروری پرورش می یابد. نوشته زهرا خلیلی شترخفت (سخن سردبیر:درد بر شما)

دانشجو معلم یعنی ؛ دانشجویی که از نظر مسئولین ظرفیت و جنبه ی هم کلاسی شدن با جنس مخالف رو ندارد و از این نظر تافته ی جدا بافته از دانشجویهای دیگر دانشگاه ها است. (سخن سردبیر: حالا خدایی خوبه ادغام شیم؟ می دونستید تربیت معلم از قبل از انقلاب هم تفکیک بوده خخخخ)

دانشجو معلم یعنی ؛ همان عاشق پیشه ای که در بدو ورودش امانت زیبایی عشق همره سلوک پر فراز و نشیب اش می کند تا تداعی کند درس زیبای محبت،مهر،فداکاری،ایثار را و شود سرلوحه ی زندگی.زیبا رویان فصل تعلیم و تربیت عشق، چون بارانی بیبارد بر ذهن های خشکسال سرزمین پاکش ایران.نوشته مرضیه بهوندی(سخن سردبیر: امانت دار خوبی باشیم هممون)





وَ قَالَ (عليه السلام): الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ، كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ
و فرمود (ع): کسی که مردم را به کار نیک می
خواند و خود عمل نمی کند، چونان تیراندازی
است که کمانش را رژه

مَنتَنّا

معلم تمدن ساز خوین اسلامی



بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد

گاهنامه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد ● سال دوم، شماره چهارم، چاپ آذر ● قیمت : صلوات
مجوز انتشار نشریه در جلسه شماره یک کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه فرهنگیان مورخ ۱۳۹۹/۷/۹ صادر گردید.



به قلم حنانه گودرزی

پای مشکلات فضای مجازی به انتخابات کشیده شد

مشکلات و ابهامات انتخابات شورای صنفی پردیس آیت اله کمالوند منجر به اعتراض شدید دانشجویان به مسئولان و نحوه برگزاری انتخابات گشت.

انتخابات شورای صنفی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت اله کمالوند در روز دهم آبان از ساعت ۹ صبح تا ۵ عصر و برخلاف سال های گذشته به صورت مجازی و از طریق سامانه الکترونیکی دانشگاه فرهنگیان انجام شد.

بنابر اطلاع رسانی های انجام شده در جهت نحوه برگزاری و شرکت در انتخابات توسط مسئولین دانشگاه از جمله مسئول امور دانشجویی و مسئول آموزش، بنا بود که انتخابات و رأی گیری تحت نظارت ریاست دانشگاه و واحد حراست و کمیته اجرایی برگزار شود و همه افراد شرکت کننده در رأی گیری تنها می توانستند یکبار از طریق سامانه به افراد منتخب خود رأی دهند.

اما تنها ساعتی چند از شروع انتخابات نمی گذشت که سیلی از پیام های اعتراض آمیز روانه گروه امور دانشجویی دانشگاه و مسئولین شد. بنابر مشاهدات و گزارشات دانشجویان مشکلات فضای مجازی این بار از برگزاری کلاس های درس به برگزاری انتخابات کشیده شده بود . روایت ها حاکی از این بود که بسیاری از دانشجویان پس از مراجعه به سامانه و انتخاب کاندیدا های مورد نظر و ثبت رأی خود، متوجه ثبت افراد دیگری در رأی گیری به جای افراد منتخب خود شدند. در نتیجه به علت این مشکل پیش آمده و عدم دسترسی به امکان تغییر رأی در سامانه تعدادی از دانشجویان و کاندیدهای شورای صنفی به گروه مربوط به امور دانشجویی دانشگاه مراجعه کرده و بدین طریق مشکل و اعتراض خود را به گوش مسئولین رساندند.

نتیجه این اعتراضات منجر به طولانی تر شدن زمان انتخابات شد. اما امکان اصلاح انتخابات در سامانه فراهم نشد و انتخابات نیز طبق خواسته دانشجویان ،به زمان دیگری موکول نگشت . همچنین گفته شد کسانی که رأی آنها به اشتباه ثبت شده ،از آنجا که امکان تغییر رأی در سامانه وجود نداشت، به مسئول آموزش دانشگاه مراجعه کرده و در خواست تغییر رأی خود را به ایشان اطلاع دهند. با وجود این راهکار ها از آنجا که بسیاری از دانشجویان متوجه تغییر رأی خود در سامانه نشده بودند و یا مسائل مربوط به انتخابات را پیگیری نکرده بودند ، متوجه این مشکل نشده بودند. به همین جهت تعدادی از کاندیدا های شورای صنفی و دانشجویان در خواست رأی گیری مجدد داشتند اما با مخالفت مسئولین مواجه شدند و تصمیم مسئولین بر این بود که مطابق راهکار قبلی خود برنامه انتخابات را ادامه دهند.

در نهایت در روز بعد ، یازدهم آبان ماه ،نتایج انتخابات شورای صنفی اعلام گردید ، اما هنوز اعتراضاتی به خصوص از جانب برخی کاندیدا ها در زمینه عدم رعایت عدالت به گوش می رسید. به سراغ دو تن از اعضای منتخب دانشجویان در شورای صنفی رفته ایم تا کمی از این ابهام برطرف شود.

زهرا کرمی از کاندیدای منتخب شورای صنفی در گفتگو با نشریه متنا بسیج دانشجویی با بیان اینکه پیگیری این موضوع بوده است افزود با تماس هایی که با آقای طرحانی (مسئول نظارت بر انتخابات شورای صنفی)داشته است،ایشان علت بروز چنین مشکلی را وارد شدن برخی دانشجویان به سایت با در دست داشتن نام کاربری و رمز عبور دوستانشان بوده است که البته این علت خیلی مدلل نیست؛ چرا که برخی دانشجویان برای اولین بار در سایت وارد شدند و رأی آن ها به ثبت رسیده بود و از آنجایی که امکان ویرایش رأی در آن لحظه در سایت وجود نداشت ،نمی توان این مشکل را علت اصلی دانست.کرمی افزود طبق گفته مسئول نظارت بر انتخابات شورای صنفی، همه کسانی که رأی آن ها تغییر کرده رأی آن ها با مراجعه اصلاح شد. اما از آنجایی که خیلی از دانشجویان سایت را مجدد چک نکردند که متوجه تغییر آرا شوند و نسبت به اصلاح آن اقدام کنند،پس تعداد زیادی از دانشجویان رأیشان اصلاح نشده و به اشتباه ثبت شده است.

خانم فاطمه شاهرخی از دیگر کاندیدای منتخب شورای صنفی،با تکرار آنچه کرمی به نشریه متنا گفته بود افزود بیشترین پیگیری را در این خصوص داشته است و ماجرا از شیطننت های دانشجویان فراتر به نظر می رسد و در این خصوص با دانشگاه به صورت حضوری مجدد صحبت و خواهان رفع ابهامات می شود.

با تمام آنچه که گفته شد بنظر می رسد کرونا ما را وارد جهانی کرده است که نه کار با آن را بلدیم و نه البته ظرفیت پذیرش آن را داریم و مشکلات فضای مجازی نه تنها در شکل فنی آسیب می زند، بلکه مجازی بودن انسانیت نیز، ما را از خود واقعیمان دور کرده است!



حق با کیه؟



به قلم شیرین حسنونند

(اصول اخلاقی در کودک)

طبق نظر محققان رشد اصول اخلاقی در کودکان ازدو سالگی بوده وابتدا به صورت ارزیابی رفتار به صورت خوب یا بد می باشد . مانند:

_دروغ گویی کار بدی ست .
_غذا دادن به حیوانات کار خوبیست.
کودک در این سن اسباب بازی های خود را به اشتراک می گذارد و در بازی ها همکاری می کند.

شکل گیری وجدان در کودک در ابتدا وابسته به عوامل بیرونی (تشویق یا تنبیه بزرگسالان) بوده و بعد به صورت درونی درمی آید.
در مرحله ی درونی سازی وجدان ، کودک حتی در غیاب والدین و بدون دریافت پاداش همدلی می کند.

در اواسط دوران کودکی (پیش از دبستان) کودک قواعد اخلاقی زیادی را بیان می کند :

_بدون اجازه گرفتن به آن وسایل دست زن.

_حقیقت را بگو.

_نوبت را رعایت کن.



جالب است که بدانیم اگر کودک والدینی سرزنش گر و سخت گیر داشته باشند ،کودک ابتدا با خود

سرزنش گری و توصیف خود با جملاتی مانند :

"من بچه ی بدی هستم"

واکنش نشان میدهد اما در نهایت کودک برای محافظت خود در برابر این صفات ناپسند، آن ها را انکار کرده و پرخاشگر و و به طور کلی ناسازگار می شود .

بنابراین برای تربیت کودکی اجتماعی و سازگار با محیط باید رعایت اعتدال کرده و درصورت مشاهده ی پرخاشگری یا رعایت نکردن اصول اخلاقی از جانب کودک ، با همدلی کردن و شنیدن دلایلی که دارد ، ابتدا سعی در آرام کردن او کرده و بعد اصول اخلاقی را متناسب با سطح درک اش توضیح دهیم یا یاد آوری کنیم .

لازم است که از به کار بردن جملات کلی مانند :

"تو پسر بدی هستی"

خودداری کرده و تنها کار ناپسند کودک را به او متذکر شویم .

مانند :

" خوردن مقدار زیادی شیرینی برای دندان ها خوب نیست "

منبع: روانشناسی رشد لورابرك (جلد اول)

روایت انتخابات ابر قدرت پوشالی



به قلم نگار دالوند

آمریکا یکی از جنجالی ترین و تاریخی ترین انتخابات خودش را در ۱۲آبان (۲نوامبر) پشت سر گذاشت.

محدودیت های فوق العاده امنیتی و حکومت نظامی در برخی از شهر های آمریکا قبل از انتخابات ریاست جمهوری حکایت از وحشت از درگیری های انتخاباتی داشت. تمام مغازه ها در حال پوشاندن مغازه های خود با حصار های چوبی بودند و می خواستند از مشاغل خود محافظت کنند حصار های کاخ سفید از ترس هرج و مرج طلب ها بلند ترشده بود،طرفداران دو طرف به خیابان ها ریخته بودند. دو قطبی سیاسی عجیبی شکل گرفته بود شمارش معکوس برای پایان دوئل دو نامزد شروع شد بایدن هزینه های سنگینی برای انتخابات انجام داده و در این زمان مردم به اسلحه فروشی ها هجوم بردند و بازار کلاس های تیر اندازی گرم تر از پیش شده و مردم می خواستند از خود دفاع کنند هواداران دو طرف می خواهند هر چه زودتر تکلیف انتخابات روشن شود ۱۳ آبان انتخابات و حوزه های اخذ رأی در حالی شروع به کار کردند که درصد زیادی از طرفداران دموکرات ها رأی خودشان را از خیلی وقت پیش پست کرده بودند و شمردن این رأی های پستی کار مشکلی است و نظر سنجی ها نشان می داد که بایدن شانس بیشتری برای ریاست جمهوری دارد. انتخابات تا چند روز اول به نفع ترامپ پیش می رفت که یک دفعه همه چیز به نفع بایدن عوض شد ۲۳۸ رأی الکترال برای بایدن ثبت شد و او از ترامپ پیش افتاد . حالا ترامپ و ستاد انتخاباتیش ادعای تقلب می کنند و می گویند که به دیوان عالی آمریکا شکایت کرده است. ترامپ خودش را با اختلاف آرای بسیار رئیس جمهور اعلام می کرد و مدام پخش مصاحبه او از شبکه ها متوقف می شد و رسانه ها با اعلام پیروزی از جانب مخالف بودند خواهیم کرد.

این در حالی بود که رأی پنج ایالت هنوز مشخص نشده بود مثل میشیگان ، جورجیا ،دیس کانسین و



هر ساعت نتیجه انتخابات بیشتر به نفع بایدن می شد تا آنجا که نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل هم پشت ترامپ را خالی کرد و نانسی پلوسی(رئیس مجلس نمایندگان آمریکا)، ادعا داشت که اجازه نخواهد داد ترامپ رأی بیارد. حالا بایدن رئیس جمهور قانونی آمریکا معرفی شده و رئیس مجلس نمایندگان آمریکا (نانسی پلوسی) از همه می خواهد به او تبریک بگویند در حالی که طرفداران دو نامزد به خیابان ها ریخته و طرفداران ترامپ معتقداند که انتخابات فاسد است و رئیس جمهور ترامپ فرصت زیادی ندارد و باید کاخ سفید را تحویل مستاجر جدیدش بدهد روز به روز درگیری ها دارد بیشتر می شود در حالی که ترامپ هنوز هم ادعا دارد با آرای بیشتر پیروز انتخابات است،البته به تازگی با زدن توییت هایی بصورت پنهان شکست خود در انتخابات را پذیرفته است.تحلیل گران سیاسی متعقد اند که حتی رئیس جمهور جدید هم نمی تواند شکاف و تفرقه بین ملت را ترمیم کند و سیاست مداران پیش بینی می کنند که انتقال قدرت سختی در پیش است.

باراک اوباما نیز با تایید این شکاف در کشورش تاکید کرده است آمریکا دچار فروپاشی سیاسی شده است!

ترامپ حالا شکست را پذیرفته است ولی اقتدار سیاسی این کشور ضربه ای خورده است که به لسان کارشناسان و مسئولین خود آمریکا بسیار مهلک بوده است و تا مدت ها آمریکا تبعات این انتخابات را با خود دارد.

چقدر این روزهای آمریکا شبیه ۱۱ سال پیش ماست (انتخابات سال ۸۸ ایران)یا نه بهتر است بگوییم چقدر نقشه ای را که برای ما چیده بودند حالا بدون یک نقص برای خودشان اجرا شد مو به مو،کد به کد...و مکرو و مکرالله والله خیر الماکرین.



گاهنامه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد ● سال دوم، شماره چهارم، چاپ آذر ● قیمت : صلوات مجوز انتشار نشریه در جلسه شماره یک کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه فرهنگیان مورخ ۱۳۹۹/۷/۹ صادر گردید.

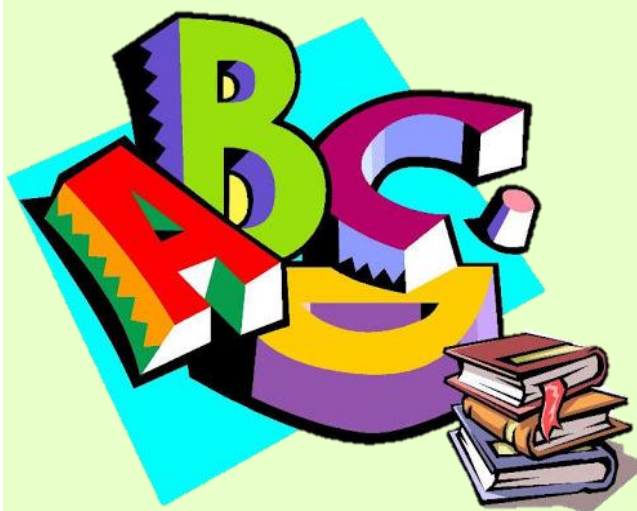
زبانکده متنا

A



به قلم زهرا فرهادی پور

از آنجایی که یادگیری زبان انگلیسی امروز در همه ی جهان بسیار مهم و البته کاربردی است ما سعی داریم از این پس در نشریه متنا در کنار هم کمی این زبان بین المللی را آموزش دهیم. این بخش و آموختن از آن را از دست ندهید!



ازدواج در دانشگاه فرهنگیان باید بیشتر از ازدواج در سایر دانشگاه ها باشد

خداوند، در آیه ۶ سوره هود می فرماید: رزق و روزی همه جنبندگان و هر موجودی که نیاز به غذا و خوراک دارد را تضمین کرده و آن را امری حتمی و قطعی بر می شمارد ولی متأسفانه جامعه امروز بسیار ترسو شده است برای مثال، پدر خانواده از ترس اینکه فرزندش کاری ندارد می گوید اسم ازدواج را فعلاً نباید بیاورد. این جوان نیز اگر رغبتی به ازدواج داشته باشد ناخودآگاه ترس پدر به او نیز منتقل می شود و در اینجا وعده های خداوند برای تضمین روزی بندگانش نیز در پیچ های به ظاهر لاینحل اقتصادی به فراموشی سپرده می شود. وضعیت اقتصادی امروز ازدواج را تبدیل به امری سخت و تقریباً ناممکن در میان جوانان کرده است در گذشته ازدواج از جمله ابتدایی ترین امور بود که هر جوانی که پشت لبش سبز می شد خود را در کنار یار در سفره عقد می دید! اما امروز ازدواج موانعی دارد که غیر قابل کتمان است. مشکلات اقتصادی از قبیل نداشتن خانه، ماشین، نداشتن پول جهت آماده کردن مقدمات ازدواج، بیکاری و... همه این ها مانع ازدواج نه زود بلکه به موقع جوانان است.



در اوسط دهه ۷۰ حرکت ازدواج دانشجویی از جمله امور خوب و فکر شده بود که آن هم به مرور در چاه مشکلات اقتصادی افتاد و تقریباً بلعیده شد. قانون ازدواج آسان نیز که در سال ۱۳۸۴ تصویب شد و قرار بود تسهیلاتی را برای ازدواج جوانان ایجاد کند نه خبری از آن است و نه حتی کسی از آن خبر می گیرد!

یکی از موانع ازدواج در پسران و البته از شروط مهم برای پذیرش ازدواج از طرف دختران داشتن شغل مناسب پسر است که خب متأسفانه خروجی های دانشگاه های ما اکثراً بیکارهای جامعه هستند! ولی این امر در دانشگاه فرهنگیان که از همان ابتدا دانشجویان استخدام می شوند وجود ندارد (امر بیکاری) و با این وجود می بینیم آمار ازدواج در این دانشگاه نیز بسیار پایین است!

پس بحث در اینجا از مسائل اقتصادی به مسائل اجتماعی و فرهنگی تعمیم داده می شود و نشان می دهد قبل از مسائل اقتصادی متأسفانه این ریزش فرهنگی و خوی تجمل گرایی و نادیده گرفتن ارزش های اخلاقی است که ازدواج را این چنین در جوانان به تاخیر انداخته است البته که این گفته به معنای کتمان کردن مشکلات اقتصادی نیست.

اینکه تاخیر در ازدواج در کشور ما به نفع چه کسانی و با چه اهدافی است کاملاً برای ما روشن است ولی اینکه چرا در داخل کشور برای این اندیشه و تفکراشتباه شکل گرفته در مردم تلاشی صورت نمی گیرد بسیار جای تعجب دارد که از مهم ترین آن ها صدا و سیما و فیلم های سینمایی ما است. به کرات در فیلم های سینمایی نشان داده شده است که مهم نیست انسان ها چقدر به حیث مسائل اخلاقی شریف و محترم باشند بلکه مهم است آن فرد در جامعه چه جایگاه و شغلی دارد و از آن جهت مورد احترام قرار می گیرد!

کلام را با کاری الگویی از صدا و سیمای چین به اتمام می رسانم، اینکه چین امروز بزرگترین اقتصاد دنیا است بسیار به توقع کم این مردم از زندگی بر می گردد شبکه های تلویزیونی چین از سال ها قبل فی المثال تبلیغات تلویزیونی خود را در خانه های کوچک با لباس های بسیار ساده تبلیغ می کردند و همین کار باعث فرهنگ سازی در میان مردم چین شد و خروجی اش تبدیل شدن این کشور به بزرگترین اقتصاد دنیا بود!

پیش نیازهای موفقیت در یادگیری زبان

a. فارسی فکر نکنید: زبان انگلیسی زبانی متفاوت، با قواعد و اصطلاحات و گاه لغات منحصر به خودش است که هرچقدر تلاش کنید، معادل آن ها را در زبان فارسی نخواهید یافت. پس به جای اینکه ابتدا به جمله ی فارسی فکر کنید و بعد بخواهید مو به مو آن را به انگلیسی بگویید، عبارات و دستورات زبانی زبان انگلیسی را بیاموزید و کاربرد آن ها را مستقلاً در این زبان بدانید.

b. تلاش کنید: شما نباید انتظار داشته باشید که چون این زبان یک زبان ثانویه است و به اندازه زبان مادری برای شما اهمیت ندارد پس تنها زمان اندکی را به یادگیری و به کار بردن آن اختصاص دهید. شما زبان فارسی را نیز با تلاش های مداوم و در به کارگیری کلمات و جملات برای رفع نیازها و برقراری ارتباط آموخته اید. پس همانگونه لازم است تا انگلیسی را نیز ضروری دانسته و در به کار گرفتن آن در امور روزمره تان تلاش و مداومت داشته باشید.

c. آموخته های گذشته تان را فراموش کنید: اگر بارها تلاش کرده اید زبان انگلیسی را بیاموزید و اکنون دنبال راه های جدیدتری می گردید بدانید که قطعاً راه های پیشین به بن بست خورده اند، پس همه شان را فراموش کنید. اگر مفید واقع می شدند شما الان در حال مطالعه این نکات نبودید. پس برای موفقیت، دوباره قدم در راه هایی که در آن ها شکست خورده اید نگذارید.

d. عجله نکنید: شما یک روزه زبان فارسی را نیاموخته اید که انتظار دارید با یک ساعت مطالعه، بتوانید انگلیسی صحبت کنید. اگر در این کار پیوسته تلاش کنید و قدم های درست بردارید، قطعاً در مدت زمان مطلوبی قادر به فراگیری و کاربرد این زبان خواهید بود.

اولین آموزش

یادگیری یک نکته کاربردی در مکالمات روزمره

برای مکالمه کردن شما قطعاً نیاز به جمله سازی دارید. برای جمله سازی لازم است اجزای جمله را کاملاً تا آن جایی که مفهوم مورد نظر شما را منتقل می کنند به کار ببرید. به طور کلی، اجزای ضروری جمله نهاد و گزاره هستند. شما در مورد چیزی یا کسی صحبت می کنید که در جای نهاد به کار می برید. اطلاعاتی را در مورد آن نهاد می دهید که جایگاه گزاره را تکمیل می کند. گزاره می تواند تنها یک فعل باشد یا اجزای دیگری را هم برای انتقال مفهوم مورد نظر در خود جای دهد. پس هنگام جمله سازی همواره در نظر داشته باشید چیزی یا کسی وجود دارد که در مورد آن صحبت می کنید و همچنین صحبتی یا اطلاعاتی در مورد آن وجود دارد که پس از آن ذکر می کنید.

همین که اجزای جمله را فراموش نکنید و سهواً آن ها را حذف نکنید یک گام مهم در صحبت کردن را آموخته اید. بقیه ی نکات آموزشی دستورهای زبانی هستند که شکل به کار بردن این اجزا را با توجه به زمان و نوع جمله مشخص می کنند.

به اجزای جملات یک مکالمه ساده توجه کنید:

مکالمه ای در باب معرفی خود:

Hi. I am Zahra. I'm 22 years old. And you?

Hello. I'm Vida and I'm 23.

It's nice to meet you Vida.

به ساختارهای ساده این جملات دقت کنید و ببینید که هرکدام اجزای تشکیل دهنده ای دارند که برای جمله سازی ضروری هستند.

تا آموزش بعدی، همین یک نکته را بسیار واکاوی کنید. فعلاً درگیر استثنائات و ساختارها و عبارات خاص نشوید.

این نکته یک نکته کلی برای این است که شما سهواً اجزای جمله را حذف نکنید و برای جمله سازی، تنها تعدادی لغت را کنار یکدیگر نگذارید.

خدانگهدار

شعر و ادبیات



ای عزیزان، زندگی را فرصت نگذار نیست

هی رویم و عالم مرگ را اگر انکار نیست

عقل ها مدهوش هستند و به دنیا بسته دل

دبده ها در خواب ژرف و گداز بیدار نیست

گر زنی صدبار فغان باز کرد اندر ما

ای در پناه فرصت عمر هیچ گاه بسیار نیست

این همه خواند تو را؟ اما اجابت کرده ای؟

دل شکستی و خبر از دبده و دلدار نیست

گو بگیرد توشه ی عشق و پیاشید پزنیک

در قیامت خیری در پرونده های تار نیست...

شاعر سارا شاهی و نر





و قَالَ (عليه السلام): لَا تَصْخَبَ الْمَائِقَ، فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ
لَكَ فِتْنَةً وَ يُوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِنْهُ
و فرمود (ع): با احمق همنشین مباش که کردار
خویش در چشم تو بیاراید و دوست دارد که تو را
همانند خود سارد. حکمت ۲۹۳ نهج البلاغه

مَنتَنّا

معلم تمدن ساز خوین اسلامی



بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
پرديس آيت الله كمالوند خرم آباد

گاهنامه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد ● سال دوم، شماره چهارم، چاپ آذر ● قیمت : صلوات
مجوز انتشار نشریه در جلسه شماره یک کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه فرهنگیان مورخ ۱۳۹۹/۷/۹ صادر گردید.



کافه دانستنی متنا

؟



به قلم فاطمه پورمیردی

در این شماره با دانستنی های نظام آموزش و پرورش در دنیا در خدمت شما هستیم.

کشورهای پیشرو در نظام آموزشی بنابر رتبه بندی جهانی به این صورت می‌باشند:

۱) کره جنوبی: در کره به آموزش همراه با مشاهده و تجربه اهمیت داده میشود،مدارس هفت روز هفته دایر هستند،نرخ سواد برابر با ۹۷.۹ درصد است،دراین کشور آموزش زبان های خارجی به عهده معلمانی از همان کشور است؛ به همین دلیل مردم کره زبان انگلیسی را بهتر از فرانسوی ها صحبت می کنند،در کره کنکور وجود دارد،به دست آوردن رتبه اول به دلیل فشار بسیار روی دانش آموزان است که متاسفانه به آن توجهی نشده؛ دراین کشور پس از مدارس معمولی دانش آموزان با اصرار والدین به مدارس شبانه هم می‌روند.

۲) ژاپن: در ژاپن به دانش آموزان وقت استراحت بیشتری داده می شود،آموزش با تجربه و فناوری ادغام شده که باعث ایجاد تفکری خلاق در بین آن ها می شود،در این کشور مادران عمده مسئولیت درس فرزندان را برعهده دارند؛اگر کودک به هر دلیلی مدرسه نرفت مادر به جای او میتواند در کلاس حاضر شود و عملکرد فرزند او می تواند باعث افتخار یا خجالت مادر شود،وجود تعامل بین معلم و شاگرد بسیارمهم است،آموزش برای همه در یک سطح است و بهره هوشی عامل برتری افراد نیست.

۳) سنگاپور: تمرکز ویژه بر آموزش پایه و هوشمند سازی دلیل مقام سوم قرار گرفتن آن می باشد.

۴) هنگ کنگ:نظام آموزشی هنگ کنگ مانند بریتانیاست،در این کشور پیشرفت در یادگیری و رسیدن به مدارج تحصیلی بالا بدست آوردن شغل مناسب را تضمین می کند، بنابر تجاری بودن این کشور،سه زبان انگلیسی،چینی و ژاپنی به دانش آموزان تدریس می‌شود، نرخ سواد در هنگ کنگ نود و چهار و شش دهم درصد است.

۵) فنلاند:کشوری پیشتاز که امروزه جای خود را به کشورهای آسیایی داده،به عقیده بسیاری هنوزبهترین سیستم در دنیا را داراست،کوتاه ترین ساعت آموزشی متعلق به این کشور است و با این وجود هم بیشترین بازدهی را دارد،در این کشور هیچ امتحانی وجود ندارد و صرفا در پایان دبیرستان آزمونی جامع برگزار میشود،معلمان پایه اول تا ششم ثابت هستند،آموزش همراه با تفریح و تجربه و اکتشاف است،آموزش برای همه رایگان است،بسیاری از کشورها از جمله کشورهای حوزه خلیج فارس،فنلاند را به عنوان الگو انتخاب کرده اند،فنلاندی ها معتقدند برای داشتن جهانی بهتر باید تجربیات خود را در اختیار دیگران قرار دهند،جایگاه معلم در بالاترین سطح،یعنی هم شان با پزشک و وکیل است.

۶)بریتانیا:باوجود فساد در سیستم آموزشی،دولت مردان سعی دارند تا با سامان دهی آن جایگاه خود را حفظ کنند،آموزش در هر ۴ منطقه انگلیس،اسکاتلند،ولز و ایرلند بصورت جداگانه اما تحت نظر حکومت مرکزی اداره میشود،در کل سیستم اسکاتلند از سایر مناطق بهتر است.

۷)کانادا:فارغ التحصیلان دانشگاهی این کشور،بیشترین مقدار در میان سایر کشورهاست،اولویت بر سرمایه گذاری در آموزش ابتدایی است،نرخ سواد هم۹۹درصد است،یادگیری زبان های انگلیسی و فرانسوی اجباری است.

۸)هلند:به دلیل توجه کمتر به مدیریت آموزشی، هلند در رتبه ۸قرار دارد.

۹)جمهوری ایرلند:آموزش در همه سطوح،از ابتدایی تا دانشگاه کاملا رایگان است،تنها ورودی های کشورهای حوزه یورو باید شهریه پرداخت کنند،میزان سواد مردم این کشور۹۹درصد است.

۱۰)لهستان:هدایت تجارت این کشور با نظارت آموزش و پرورش است،توجه عالی به آموزش ابتدایی و متوسطه باعث شد تا این کشور نسبت به سال۲۰۱۲چهار رتبه صعود کند.

سایر کشورهای این لیست بنابر رتبه بندی عبارت اند از:

۱۱)دانمارک

۱۲)آلمان

۱۳)روسیه

۱۴)آمریکا

۱۵)استراليا

۱۶)نیوزلند

۱۷)رژیم صهیونیستی

۱۸)بلژیک

۱۹)جمهوری چک

۲۰)سوئیس

در بین رتبه های ۱۱ تا ۲۰ هم نکات قابل توجهی وجود دارد که مطالعه آنها هم خالی از لطف نیست:

*نرخ سواد در روسیه ۱۰۰درصد است و ۵۴ درصد کارگران آن تحصیلات دانشگاهی دارند که در سطح جهان اول است.

*در آمریکا ۸۵ درصد دانش آموزان موفق به اخذ دیپلم دبیرستان می شوند اما تنها ۳۰ درصد آنها وارد دانشگاه می شوند.

*در اسرائیل نرخ سواد ۱۰۰ درصد است و از نظر سواد دانشگاهی مردم،رتبه دوم را داراست.

*در آلمان دبیرستان به ۴ دوره تقسیم می شود.مدرسه ای برای پزشکی و کارهای تجاری،مدرسه عالی هنر،کارهای فنی و دانشگاه فعالیت های آموزشی.

نکته قابل توجه درمورد تمامی این کشورها این است که،کلاس دانش آموز محور است و معلم نقش راهنما و همراه دانش آموز در امر یادگیری است.به عبارت دیگر، آموزش دو طرفه است و معلم در کنار دانش آموز مطلب جدید یاد میگیرد.

کشورهای در حال توسعه هم مانند برزیل،مکزیک،مالزی،اندونزی و...در میانه این لیست قرار دارند.



دانشگاه فرهنگیان فرزند خلف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هر روز در دست یک پدر خوانده!

دانشگاه فرهنگیان در سال ۱۳۹۰ با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پس از چند سال تعطیلی تربیت معلم متولد شد.دانشگاه فرهنگیان فرزند یکی راهکارهای عملیاتی سند تحول بنیادین است.در این راهکار آمده است: استقرار نظام ملی تربیت معلم و راه اندازی دانشگاه ویژه فرهنگیان با رویکرد آموزش تخصصی و حرفه ای تربیت محور توسط وزارت آموزش و پرورش با همکاری دستگاه های ذیربط.

شاید هیچ فرزندی برای تولد خود چنین ادله محکم و قانونی نداشته باشد ولی دانشگاه فرهنگیان که از آن با عنوان به قلب سند تحول بنیادین یاد می شود قانون هایش نه تنها پشتوانه اش نبود بلکه برداشت های سو از اساسنامه اش ،بلکه کاهش جذب ورودی هایش،بلکه نگاه های سوء دانشگاه های دیگر به روند صعودی اش،بلکه تخصیص ندادن بودجه برای توسعه کمی و کیفی اش،بلکه نامه و نقدهای غیرکارشناسی اطرافانی که می بایست دستگیرش باشند، روز به روز این فرزند خلف سند تحول بنیادین را بیشتر اذیت و تا مرز انحلال و تشویش اذهان دغدغه مندان و دانشجویان و دانش آموختگانش می کشاند!

چرا باید دانشگاهی که قرار است نسل های بعدی جامعه را بسازد این چنین مورد بی مهری قرار بگیرد؟

چرا هیچکس به خود اجازه ی اظهار نظر در مسائل دانشگاه های علوم پزشکی را نمی دهد و دم از تخصص در این حوزه می زند ولی در دانشگاه فرهنگیان این باب باز است و هر کسی می تواند ، بیاید و نظری بدهد و آسیبی بر روح این فرزند خلف سند تحول بنیادین بزند؟ آیا در جهان هستی چیزی تخصصی تر از مسئله تربیت پیچیده ترین موجود جهان که همان انسان است وجود دارد؟

دانشگاه فرهنگیان فرزند سندیست که با یک جستجو در اینترنت شناسنامه اش را به رخ می کشد پس نیازی به محول شدن به پدر خوانده هایی چون دانشگاه پیام نور و نظرات منورفکرانه وزیر علوم و همه همفکرانش که کم هم نیستند، ندارد!

قبل از اینکه مطرح شود چرا امثال وزیر علوم یا رئیس دانشگاه پیام نور به خود اجازه اظهار نظر درباره دانشگاه فرهنگیان را می دهند، باید مطرح شود که وزارت آموزش و پرورش و متولیان دانشگاه فرهنگیان مگر چگونه رفتار کرده اند که بستری به این وسعت برای دخالت های غیرکارشناسی ایجاد شده است؟

تجربه تلخ تعطیلی چندساله تربیت معلم نتیجه ای جز ورود نیروهای ضعیف به آموزش و پرورش نداشته است که امروز بحث استخدام رسمی چنین نیروهایی نیز باز است، اینکه چرا عبرت از تاریخی که در قرآن آماده است را فراموش کرده ایم جای خود، ولی نگرانی بالاتر این است دانشگاه فرهنگیان به دست پدرخوانده هایی بیوفتد که در تعطیلی تربیت معلم در گذشته دست داشته اند و با یک تکرار در تعلیم و تربیت تجربه های مفتضح خود را بار دیگر به منصف ظهور برسانند!



به قلم فاطمه پیرداده

سلام به همه سینما دوستان عزیز ؛

خیلی خیلی خوش آمدین به دومین ستون از بررسی فیلم و سریال در نشریه متنا.

در این ستون قصد داریم همراه شما عزیزان به بررسی و نقد متنایی فیلم سینمایی «باتو آموختم» بپردازیم.

این فیلم در کشور ایتالیا و در سال ۲۰۰۷ اکران شد .فیلم در مورد زندگی نامه ماریا مونته سوری بنیانگذار «روش مونته سوری » در آموزش و شخصیت مشهور کشور ایتالیا است.

در ابتدا این فیلم با برشی از زندگی «خانم دکتر ماریا مونته سوری» شروع می شود که جسارتی مثال زدنی از نقش اول فیلم به نمایش می گذارد ،در واقع ماریا شبیه به ماهی است که همیشه خلاف جهت آب شنا می کند و برای آرزوها و هدف های بزرگتر از زمان زیست خودش ،مشکلات و سختی ها را به جان می خرد.

بهای ثبت روش ماریا در جهان ،گذر عمری بود که در حسرت حس مادری سوخت.

ماریا به علت فرهنگ و قوانین آن زمان کشور ایتالیا حق نگهداری فرزند خودش را بدون اجازه پدر نداشت، به همین دلیل ؛ماریا از حق طبیعی خودش گذشت تا بتواند مادر و مخترع روشی باشد که میلیون ها انسان را از چنگال جهل ، نادانی ، تنبیه و فقر برهاند.

این بهای سنگینی بود...

در بخش هایی از فیلم ،از مدارس «دکتر مونته سوری» با عنوان مدارس مهر مادری یاد می شود.

عنوان جالبی که حتی « ماریا »را به آن متهم می کنند که زنی که مهر مادری را نچشیده محال است مؤسس مدارس و روشی بر پایه همین مهر باشد،جواب مونته سوری در این موضوع سوای از بحث فیلم و نقد تخصصی آن به دل می نشیند.

اینکه زنان و دختران بی آنکه خبر داشته باشند بالقوه حسی را در وجود خود می پروراندند که «عامل زایش و کانون مهر »در جامعه هست.

این فیلم بیشتر از اینکه بر روی مخاطب به خاطر موفقیت ها و روش درخشان ماریا مونته سوری اثر بگذارد ،به دلیل جسارت و شجاعت توام با ظرافت و مهر «ماریا » زبانزد است و تماشایی را به وجد می آورد.

تغییر از رویاها شروع میشود ، به دست و جان نیرو می دهد و جامعه ای را متحول می کند ..



نقد و معرفی فیلم





گاهنامه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد ● سال دوم، شماره چهارم، چاپ آذر ● قیمت : صلوات مجوز انتشار نشریه در جلسه شماره یک کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه فرهنگیان مورخ ۱۳۹۹/۷/۹ صادر گردید.

انما بُعِثَ مُعَلِّمًا...



به قلم زهره بیرانوند

در شماره قبلی این بخش، درباره تلاش و حلم پیامبر به عنوان معلم صحبت کردیم. در این بخش می‌خواهیم درباره ارزش معلمی و تعلیم سخن بگوییم. شما را به دنبال کردن این بخش دعوت می‌کنم.

برای اینکه غنچه های تمدن اسلامی را پرورش دهیم، به معلمی نیاز داریم که ارزش و قدرت را بداند. معلمی که به ارزشمندی شغلش پی ببرد، انگیزه دوجندان می یابد که به دانش آموزان منتقل می شود. انگیزه ای که برای مدرسه اسلامی لازم است. هر چه انگیزه معلم و دانش آموزان بیشتر باشد آموزش ساده تر است و به زمان کمتری نیاز خواهد داشت و همین طور با مشکلات آموزشی کمتری مواجه خواهیم شد.

معلمی که خداوند آن را می پسندد و به آن فخر می کند، محمد مصطفی (ص)، بهترین الگوی جهانیان است. خداوند در سوره آل عمران آیه ۱۶۴، فرستادن چنین معلمی را منت نهادن بر مردم می‌داند. این نشانه بزرگی امر معلمی است؛ چرا که منت نهادن در امور جزئی و کوچک ناپسند و از خداوند به دور است (تفسیر نور، قرائتی).

رسول خدا فرمود: آیا به شما خبر بدهم که سخاوتمند ترین موجودات کیست؟ وجود خداوند تبارک و تعالی و من سخی ترین فرزندان آدم هستم و سخی ترین مردم بعد از من، عالمی است که علمش را نشر می‌دهد و در روز قیامت این شخص چون امت واحده ای محشور می شود. (میزان الحکمه، ج ۶، ص ۴۷۳ و ۴۷۴)

فضل بن ابی قره می‌گوید: به امام صادق عرض کردم این مردم می‌گویند کسب معلم حرام است فرمود: «این دشمنان خدا دروغ می‌گویند. می‌خواهند کسی تعلیم قرآن ندهد. اگر کسی به معلم به اندازه دیه و خون بهای فرزندش ببخشد، برای معلم حلال است» (فروع کافی، ج ۵، ص ۱۲۱).

ابی بصیر، از یاران نزدیک امام صادق، می‌گوید: «از امام شنیدم که فرمود هر کس خوبی‌ها را آموزش دهد مثل پاداش عمل کننده به آن کار خوب به او پاداش می‌دهند. عرض کردم: اگر غیر از او بعد از او هم آن را آموزش دهد برای اجری است؟ فرمود: اگر تمام مردم روی زمین هم آن را آموزش دهند به او پاداش می‌دهند. عرض کردم اگرچه از دنیا رفته باشد؟ فرمود: اگر چه از دنیا رفته باشد» (بحار ج ۲، ص ۱۷).

مدیریت کلاسی سازنده همراه با رشد علمی و شخصیتی دانش آموزان



به قلم طیبہ صابری

در ابتدا لازم است به این سوال پاسخ دهیم که " علت ضرورت مدیریت کلاس چیست؟" اصلاً چرا باید کلاس درس مدیریت شود؟!

با این مثال شروع می‌کنم. کلاس درسی را در نظر بگیرید که هیچ قانونی بر آن حاکم نیست؛ هرج و مرج و شلوغی های بچه های ابتدایی در آن بیداد می‌کند؛ هر کس هر وقت بخواهد می‌رود و می‌آید؛ هنگام تدریس بچه ها با هم بحث و دعوا می‌کنند که مثلاً "تو بی اجازه مدامم را برداشتی"

آیا در چنین شرایطی می‌شود تدریس کرد؟ حتی اگر هم بشود، که محال است، کسی چیزی یاد می‌گیرد؟

پس ضرورت مدیریت کلاس در وهله‌ی اول فراهم کردن شرایطی که یادگیری در آن با بالاترین کیفیت صورت پذیرد و پس از آن با توجه به اینکه کار یک معلم آموزش و پرورش است و اینکه باید به چه شکلی روی پرورش شخصیت دانش آموزها کار کند در ادامه و با مطالعه راهکارهای ارائه شده برای مدیریت کلاس و تاثیری که بر شخصیت کودکان دارد، متوجه خواهید شد.

مشخص کردن قوانین کلاس در ابتدای سال تحصیلی

با انجام این کار و ثبت در اجرای آن دانش آموز ها کم کم متوجه می‌شوند که باید به قوانین احترام بگذارند و آنها را رعایت کنند. به این ترتیب در طول سال تحصیلی کمتر با مشکل بی نظمی رو به رو خواهیم شد.

داشتن طرح درس

به این ترتیب می‌تواند برخوردهای متفاوت دانش آموزان را در هنگام تدریس پیش بینی کند و اقدامات لازم را برای پیشگیری از هرج و مرج و خروج از بحث کلاس انجام دهد.

حذف عوامل مخل تمرکز در کلاس درس

گاهی عواملی چون پوشش معلم، وجود اشیای اضافه در کلاس درس، نوری که از پنجره و یا لامپ بر تخته می‌تابد و اجازه نمی‌دهد بچه‌ها متن نوشته شده روی تخته را به خوبی ببینند و... حواس دانش آموز ها را پرت می‌کند. معلم باید این موارد و موارد مشابه را رعایت، پیش‌بینی و برطرف کند.

فراهم کردن فرصتی برای تخلیه انرژی دانش آموزها

کودکان ابتدایی انرژی بسیار زیادی دارند و اگر ما مدام از آن‌ها بخواهیم که ساکت و آرام در کلاس درس بنشینند به نوعی انرژی آن‌ها را سرکوب کرده ایم. پس بهتر است که فرصتی را برای تخلیه انرژی شان فراهم کنیم تا اینکه انرژی شان نه سرکوب شود و نه به شکل دیگری آرامش را از کلاس بزداید. می‌توانیم زمان کوتاهی از کلاس را به فعالیت های مورد علاقه دانش آموزان اختصاص دهیم. به این ترتیب کلاس برایشان خسته کننده نخواهد بود. چون می‌دانند زمانی را هرچند کوتاه، می‌توانند در جمع دوستانشان کاری را که دوست دارند انجام دهند.

طنز کده متنایی



به قلم سارا جعفری



اندرک ترم جانم!
آنگون که به اواخر عمر دانشجوییم می‌رسم و برای خورم کوله بار عظیمی از تجربه شده ام از آنجایی که جناب معیری فرموده اند
موک سید را طلح را یقین ندار این رشته را به نقد جوانی خریدم ام

و چون جوانیم را گذاشتم حال که به خود می‌اندیشم با وجود دوست نه چندان عزیزمان جناب کرون کویدی نوزده فرزند جایا (هدف فقر فروختیت
[۱]) که در برهه‌ی کنگور ریداری نیز با شما عزیزان جان داشته‌ام، پایان عمر دانشجوییم را در انزوا به سر برده و به جای استفاده از تنه عمر و
بودن در کنار رفقای شقایق! بر لب جوی شتم و گذر عمر را نظاره گر شده ام.

اما چه کنیم که همه ما گرفتار آمده ایم و شما نیز بالا بیاورید به خاطره‌ی ک نور و نور اینجانب بنده کنید و قدرت تخیل خود را (اگر باشد) به فکر اندازید.
روز دهم مهر ۱۳۹۴ آغاز سال تحصیلی ما اعلام کردند به دقیقه همان روز هاین که شما از آن کنگور دادند (ترملم ترمهای قدیم) ! و صد البته که آن روز
روز تولد بنده حقیر نیز محسوب می‌شد و حق که تولد یک دوباره بود برای دانش آموزی مثل اینجانب که یک سال خانواده و فامیل و آkre و اوره و
شمی کوره را ناخواسته در لیر درس و متقی ملوکانه ام کرده بودم و اگر مقصود محقق نمی‌شد چاره این جز یافتن جایی در قایق سهراب نداشتیم
سرکان را در در نیارم که در آن روز من هم تیپ اندک ترمی ام را به نحو احسن سر هم کردم، مانق شلوار رسمی معلم ام با کفش های پاشنه
دار که که بود من معلمی را برای من هموار تر کند به همراه چادر نوکی دانشجویی که آن تیپ کارمندی ام را تکمیل و در نهایت مرا دانشجو معلم
معرفی می‌کرد. به خاطر دارم علاوه بر همه‌ی ک لباس های تمام ظروف جهاز و غیر جهاز مدرسه را با ثبت محضری امضا که سه ضامن معتبر و گرو
گذاشتن سفته های بی شمار که بار ماشین بخت برگشته مان کرده بودم و با پیرم به دانشگاه رفتم.

وقتیه وارد آنتا شدیم با چشمان ور قلمبیده ریز به ریز فضا را تحت نظر گرفتیم و همه جا را با چشمان می‌بلعیدم و هر لحظه بیشتر به خود غره می‌شدم آنچنان که هر کس به سمت ما می‌آمد انتظار خوش آمد گویی و استقبال
داشتیم. (خاتم بودیم و بسیار پر توقع) ! با همان غرور دوران شبب وارد خوابگاه شدم و منظر بودم دهانمان را شیرین کنند بابت کار شایع که کرده بودم! اما چون خبری از این بچه بازی ها نبود همان نقاب دختر کم رو را
برگزیدیم به چهره زده و غرور را کنار گذاشتم، در دفتر سرپرستی شیر زنی را دیدم و بنظرم مهرمان آمد... سلام روز بخیر من دانشجوی ورودی جدید هستم. چشمانش را از پشت عینش بالا آورد و مرا در انداز کرد گفت: معلومه...
منظر ماندم تا صحبت ریداری رد و بدل شود و بدیش اینها بود که اصلا نمی‌دانستم چه بلویم تا تعلیفم روشن شود به بیکاره دهانم بی‌اراده باز شد و با لحن تلرانجی فرمودم: حالا چکار کنیم! پس از اینکه آن کلمات از نهادم برآمد
آهه نیز پشت بندش در مخزن کشیده شد. سرپرست عزیز با مشت جلوب خنده خود را گرفت چقدر صمیمی شدی به هو یه آتاق واسه خورق انتخاب کن ریله فقط مراقب باش تفاهین که اسمی خورقو نیری اون حالت
دارن. در این بصره بودم که دوست عزیزم را که با من پذیرفته شده بود دیدم و با یلدیر به سخن اتاق را بر لرانده، هر چه هم شهرکی وارد خوابگاه می‌شد را فضا نیده و طبع عملیات سرکی به اتاق مشغوب نشانیده و به این
صورت برای خود دوست پیدا نکردیم. یکس از افتخارات کنگ ما (گروه خرافه‌های [۲]) وجه کردن بازار هاو چهار راه های اطراف از همان روز اول بود در حالی که در آن زمان روز اول ترمم جماعت، موکی بود با مقادیر
زیادی آتاق و آکه که در فراق خانواده ریخته می‌شد. فردای آن روز از روی برنامه صرستی بیدار شده بصترین لباس هایمان را پوشانیده و جامدادیمان را پر از خودکار های رنگی کردیم و راهن صرست شدیم و از آنتا که استاد
گرامی هنوز نیامده بود در کلاس منظر شدیم تا بباید، باز هم منظر شدیم اما تا نیم ساعت خبری از استاد عزیزمان نشد پس از نیم ساعت ایشان با چهره ایی شاداب تشریف آورده غازی کورزند و کلاس آغاز شد. به همین
ترتیب به سرعت پردیس دوست داشتنی ما خوش را به ما شاند و ما را ایلوله شقیه کی خود کرد. والایم

گاهنامه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد ● سال دوم، شماره چهارم، چاپ آذر ● قیمت : صلوات
 مجوز انتشار نشریه در جلسه شماره یک کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه فرهنگیان مورخ ۱۳۹۹/۷/۹ صادر گردید.

خدا حافظ استاد



استاد دکتر سیروس مرادی زاده استاد برجسته دانشگاه فرهنگیان استان لرستان در گذشت... این خبر می چرخید و همه در شوک بودیم همه در ای کاش دروغ باشد ولی خیلی زود خبر تلخ درگذشت استاد عزیزمان تایید شد...

از دوستان نزدیک و خانواده ی استاد که بگذریم، امان از دل دانشجویانشان، امان از پیامکی که آخرین پیامک استاد بود امان از آن حجم از تعهد، به راستی او واقعا یک معلم بود... استاد در واپسین نفس های زندگی پر خیرشان نیز تعهد خود را به تعلیم رها نکرده و به بهترین شکل تعهد را به دانشجویان خود آموختند... مشق آخر استاد بزرگترین درس زندگی دانشجویانشان شد...

بیوگرافی کوتاهی از مرحوم دکتر سیروس مرادی زاده
 متولد نورآباد

دکترای روانشناسی از دانشگاه لرستان مشاور و برنامه ریز مرکز مشاوره و روانشناسی اداره کل آموزش و پرورش استان لرستان مدرس در دانشگاه های فرهنگیان، آزاد، علمی و کاربردی و پیام نور استان لرستان

دانشنامه های دانشجویان استاد مرحوم دکتر سیروس مرادی زاده در سوگ ایشان

گردآورنده مطالب مریم عمید، زهره خزایی استاد! چه واژه سنگینی!

به راستی که چقدر برازنده شما بود.

شمایی که با لحن آرام و متانت بی قدرتان در دل همه جا خوش کرده بودید.

استاد عزیز! همشهری شریف! شما آنقدر خوب و محترم بودید که با رفتنتان هر کس که فقط از شما و منش تان شنیده بود را هم عزادار کردید و در این برگ ریزان پاییز ما را اسیر خزان فقدان خود کردید.

تنها آرزوی ما این است که بهار ابدی برایتان سر رسیده باشد و غرق رحمت پروردگار شوید. (ناشناس)

دل بی قرار یاره، چش انتظاری داره
 چش و ره ، دل و تما تا که او بیایه
 نميله غم دس ده سرش ورداره
 بی او ، هرور هرو کرده بیه یارش
 سی بیه او اسپیی جمالش

چش و در ... دس و زونی...

سبیلی د گوشه چش و آه گرونی

چشش پر ده خین و دلش خینی تره ...

میزنه وا سر که بی او ، هه بمیرم بیتره

دنگ دنگشه هه سی بی کسیش

ها هوره موهونه سی بی هِنارسیش

رک رک میکه د پا تا فرق سر ...

چش میونه ، میکشه آهی د سر

موئه هی خدا ... شکرت خدا

دی چه منیمو (استاد) بی مرادی زاده تک و تنیا ..

دردشه دوا نکردن ، دِمو گِرتنش

نَمَن سایش سی بچون کوچکترش..

یادش سی همیشه مَن مین خاطریامو

تاهمیشه و نیکی میا د حافظیامو ..

دسمو و هیچ جا بُر نمیکه

هیچکه جاشه پر نِمیکه

آر بهاری بی خَرویش زی رَیس

ار شفقی بی ایوارش زی رسس

به یاد استاد مرادی زاده ی عزیز...

شاعر میبنا دلفان.. دانشجوی آموزش زبان انگلیسی



آه از چرخ روزگار، چه سخت است از قلمت بخواهی سخن براند از بزرگمردی که چند صبحی در مکتبش علم و اخلاق آموخته ای. دردا! دکتر مرادی زاده ارجمند که گوهری در روانشناسی لرستانمان بود را از دست دادیم و به والله تحمل این داغ سخت و جانسوز است و قلم می خشکد و چشم های گریان جایش نقش می آفرینند. استاد دیگر در میان ما نیست اما دانشجویان دانش آموخته ی مکتبش راهش را ادامه خواهند داد. ای استاد در خاک آرام گیرید که راهتان ادامه دارد... (زهره خزایی)



گله دارم از تقویم سیاه این روزها، کجا رفتید؟ مگر قرار نبود در ظلمت راه، چلچراغمان باشید؟؟؟؟ مگر حجم خالی نبودنتان با کسی پر می شود؟ باورم نمی شود پایان قصه ی شاگرد و استادی ما به همین زودی بود.... اما دنیا بداند یاد شما تا ابد در صفحه قلبم حک شده است و همیشه در خیالم حضور خواهید داشت.. انگار همین جاییید.... و چشمان من تا ابد محو تماشای نگاهتان خواهد بود... (مریم گراوند)

* * * * *

از شناختن تا نشناختن یک (ن) فاصله است، اما از شناختن تا درک کردن یک دریا... مادر بزرگم همیشه جمله هایی را ورد زبان می کرد و می گفت : هر چی سنت بیشتر بشه مادر؛ آدرس قبرهایی که میشناسی بیشتر میشه تا آدرس خونه ها، نکته یه وقت حسودی کنی به خاک... آن سال ها نمی فهمیدم منظورش را؛ تمام تصورم از حسادت تنها گرمای آغوش مادر بود که خیس خورده از باران به آغوش می کشاندم و بینی برادر کوچکم را می سوزاندم. در زندگی داغ ها دیدم و خاک منفورم سردشان کرد تا زندگی ام جریان یابد... از پدر بزرگ، رفیق، خواهر تا استاد... این آخری عجیب حسودم کرده نسبت به خاک! از خانواده ات نیست اما نزدیک است... رفیق نیست اما راه بلد توست... اسطوره نیست ولی سرمشق است... استاد مرادی زاده را بیشتر از کسوت استادی در ردای سرمشق دیده بودم... روحتان شاد استاد عزیز. (فاطمه پیرداده)

* * * * *

قبلا شنیده بودم که قلم وقتی بخواهد برای انسان های بزرگ بنویسد کم می آورد... اما نمی دانستم یک روز قرار است به عینه ببینم... قلم امروز وقتی که میخوام از مرد دیروز بنویسم خشک می شود... کلمات قاصر از بیان تمام خوبی های شماست اصلا از کجا باید شروع کرد و به کجا باید رساند؟

آقای عزیز... استاد بزرگوار... جای شما هیچ وقت خالی نخواهد ماند چرا که شما هستید. مرادی زاده ها خواهند بود و هرگز اجازه نخواهیم داد چراغ مکتبتان خاموش شود... (مهسا زارع)

در راه حکمت



به قلم زهرا فلاحی

تبیین تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام

اهمیت علم آموزی و تحصیل دانش در اسلام، سبب شکوفایی آن در سرزمین های اسلامی شد. انقلاب اجتماعی که اسلام در این جوامع ایجاد کرد، منجر به تغییر قوانین تبعیض آمیز و جایگزینی آنها با اندیشه های عدالت محورانه ی اسلامی شد. همین مسئله موجب شد تا در جوامعی که پیش از آن علم و علم آموزی رواج چندانی نداشت، دانشمندان و عالمان بسیاری تربیت شوند که آوازه جهانی پیدا کردند. نظام تعلیم و تربیتی که این عالمان را در خود پرورش داد، از جهات بسیاری می تواند برای ما الهام بخش باشد. نظامی که از مکتب خانه های آموزش قرآن و حلقه های درس علوم دینی در مساجد آغاز و در نهایت به موسسات بزرگ آموزشی نظیر نظامیه ها و ربع رشیدی منتهی شد. در ابتدا قرآن کریم و آموزه های مربوط به آن در فرآیند تعلیم و تربیت نقش محوری داشت و از آنجا که آموختن قرآن و فهم آموزه های وحیانی امری مهم برای مسلمانان محسوب می شد، علوم گوناگونی نظیر فقه، تفسیر، صرف و نحو و... که سبب شناخت بهتر از تعلیم الهی می شد، پدید آمد. در کنار این علوم مسلمانان تلاش زیادی برای حفظ و انتقال روایات و احادیث پیامبر (ص) و معصومین به نسل های بعد کردند که به رواج علم حدیث منتهی شد. این علوم محتوای اصلی آموزشی در آن عصر را تشکیل می داد. طالبان علم در سالیان نخستین گسترش اسلام پس از آموزش های ابتدایی در مکتب خانه و دارالقرآن ها، در صورت تمایل برای کسب علم به حلقه های اساتید در مساجد می رفتند. گاه در یک مسجد چندین حلقه وجود داشت و درس های متعددی ارائه می شد. افراد پس از اتمام آموزش در حلقه های مساجد، به حلقه ی اساتید مطرح در شهرهای بزرگ مهاجرت می کردند که به آن الرحله طلب العلم می گفتند. به این شکل در سالیان نه چندان طولانی پس از بعثت نبی مکرم اسلام، شبکه ای از عالمان و طالبان علوم در گستره ی وسیعی از تمدن اسلامی شکل گرفت که آغاز گر عصر طلایی تمدن اسلامی شد.



مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

اگر امروز در آموزش و پرورش عدالت رعایت نشود نتیجه اش شکاف طبقاتی در آینده خواهد بود.

مَنتا

معلم تمدن ساز خوين اسلامی



بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد

گاهنامه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد ● سال دوم،شماره چهارم،چاپ آذر ● قیمت : صلوات مجوز انتشار نشریه در جلسه شماره یک کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه فرهنگیان مورخ ۱۳۹۹/۷/۹ صادر گردید.

در سنگر شهدا

(محمد معلم کوچکی ما که هرگز به خانه بازنگشت!)



به قلم فاطمه گودرزی معظمی

میخواهم خاطره ای از خاطرات برادر شهیدم برایتان تعریف کنم. من(زهرا) و برادرم محمد در یک خانواده معمولی دنیا آمدیم. پدرمان کارگر بود و مادرمان خانه دار. آن زمان که من فقط ۸ سال داشتم و محمد برادرم ۱۴ ساله بود، پدرمان را از دست دادیم. تنها امیدم بعد خداوند مادر و برادرم بود. از بد روزگار مادرم دچار سرطان ریه شد و چون زیاد کار میکرد برای مخارج خانواده و هزینه ای برای درمانش نداشتیم سه سال بعد از فوت پدرم ، مادرم نیز از دست رفت. در همان سن کم دو حادثه تلخ را تجربه کردم. انگار که خداوند بر این میل بود طعم خوشی از دنیا نچشیم. بعد از مرگ پدر و مادرم ، مادر بزرگم ما را نزد خود برد. محمد از همان زمان مرگ پدرم کار می کرد و درآمد نا چیزش فقط می توانست شکم نیمه سیر ما را پر کند. انگار می دانستم که این زندگی قرار نیست روز های خوشش را به ما نشان دهد. نه امیدی داشتم و نه نقطه روشنی از زندگی می دیدم. مادر بزرگم خیلی ناراحت بود که نمی توانست برای ما کاری کند. ماندن در خانه ی مادر بزرگ نقطه امن زندگی ما بود در کنارش می توانستیم سرپناهی داشته باشیم.مدتی گذشت محمد کار می کرد و خرج زندگی ما سه نفر را می داد.عزیز جان نیز با بافتن شال های قشنگ و و درست کردن لیف می توانست پول نانی بدست آورد. یک روز بعد از مدت ها از خانه بیرون زدم تا با دوستانم بازی کنم. دیدم مردم کوچه و بازار حرف های عجیبی می زدند. جوری که انگار نمی دانستم معنا و مفهومشان چیست.جلوتر رفتم احساس میکردم اتفاق عجیبی افتاده .از مردی که داشت پارچه هایش را روی طبق می گذاشت پرسیدم : عمو چه شده؟ چرا مردم میگویند نیرو های بعثی حمله کرده اند؟ بعثی کیست ؟ کجاست؟ لبخند معنا داری زد و گفت: نیرو های بعثی همان حیوان صفتانی اند که خون جوانان ما را به شیشه کشیدند.....

با آوردن اسم جوان یک لحظه تمام محمد را تصور کردم..

به خانه رفتم. شام مختصری برای شب آماده کرده بودم. صدای در آمد با هول بلند شدم و رفتم در را باز کردم.

محمد بود... خدا قوتی گفتم و پرسیدم : راستی محمد اخبار تازه کوچه را شنیده ای؟ گفت از شام برایم بگو.

با هم رفتیم او رفت صورتش را بشوید من رفتم شام را بکشم. شام را خوردیم و ظرف ها را کنار قابلمه گذاشتم نمی دانستم چطور بحث را دوباره پیش بندازم. محمد گفت:

آبجی گلی من، هرچه میدانی بگو. گفتم: داداش راستش.....راستش شنیدم....گفت:

بگو چرا پت پت میکنی. گفتم امکان دارد بعثی ها تو را با خود ببرند؟؟ لبخندی از روی شجاعت زد و گفت: آخر خواهر دیوانه ی من چرا باید مرا ببرند مگر غیرت من کجا رفته من باید بمانم و از خاکم دفاع کنم آنها فقط جنازه ی مرا می توانند ببرند نه من را. از همین حرفش فهمیدم او می خواهد کاری کند..محمد در آن هنگام جنگ او را مامور تدریس در مدرسه کردند. محمد همیشه شاگرد ممتاز مدرسه بوعلی بود.ذهن خوب و خلاقش می توانست برای او آینده ای رویایی رقم بزند. اما بخت و اقبال یارش نبود و در همان نوجوانی می بایست خرج خانواده را تامین کند. مقدار ناچیزی به عنوان حق التدریس برایش در نظر گرفتند اما محمد آن را به کسانی می داد که حتی وضع مالی شان از ما بدتر بود. همیشه می گفت من در برابر، برادر مسلمانم وظیفه

آموزش و پرورش در خدمت امپریالیسم



در این قسمت از سری یادداشت ها از کتاب آموزش و پرورش در خدمت امپریالیسم اثر مارتین کانوی، به دنبال یک سوال مهم و اساسی می رویم.

آموزش و پرورش برای رشد و توسعه یا برای تسلط؟

این سوال شاید کمتر به اذهان بیاید چرا که اساسا علم و آموزش امری ارزنده در افکار مردم است و کمتر کسی به این سوال می رسد.

در ابتدا گریزی به مقاله نظام آموزشی و آرمان توسعه یافتگی شهید آوینی می زنیم.شهید آوینی در این مقاله از غایت آموزش در غرب می گوید. آوینی معنای توسعه را در اسلام و در غرب تفکیک می کند.

او می گوید در نظام اسلامی ما توسعه انسان را ، در تکامل و رشد او و بازگشت به فطرت الهی و قرب الی الله انسان می دانیم ولی در غرب معیارهای توسعه بر اساس شاخص های اقتصادی مشخص می شود. پس معنای توسعه در اسلام چیزی در ردیف تکامل انسان در ابعاد غیر مادی است ولیکن معنای توسعه در غرب امروز چیزی جز توسعه اقتصادی نیست!

شهید آوینی در قسمتی از مقاله جمله ای می گوید که با کتاب مارتین کانوی گره می خورد و نشان می دهد آموزش مدرن در غرب چیزی جز حاکمیت تمدن غرب و تفکر سرمایه داری بر جهان نیست.شهید آوینی تصریح می کند نظام آموزشی تمدن غرب جلوه ای از دیکتاتوری اقتصاد یا حاکمیت سرمایه است.

گفته شهید همان چیزبست که مارتین کانوی غربی بر آن تاکید دارد.

غرب پس از آنکه وارد عصر صنعتی شد نیازمند زنان و مردان عاقل،رقابت جو و تابع بازار(نظام سرمایه دار)شد. در همین زمان آموزش و پرورش بهترین کانال برای تولید چنین محصولاتی شد!

پس آموزش و پرورش در قالب مدرسه (آموزش رسمی،اجباری و همگانی) در دستور کار حکومت های صنعتی آن روزها قرار گرفت که تاکنون ادامه دارد.

شومپیتر می گوید؛ آموزش و پرورشی که ما امروز می شناسیم و به شیوه ای که توسط اروپاییان در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم گسترش یافت، بخشی از ساخت اجتماعی و اقتصادی سرمایه داری بوده است و خواهد بود. منظور شومپیتر این است که مدرسه از این راه به میزان چشمگیری به رشد اقتصادی و صلح جهانی کمک می کند.مدرسه مردم را با فرهنگ سرمایه داری آشنا کرده و به آن ها می آموزد که عقلانی تر انجام وظیفه کرده و از آن ها افراد تولید کننده ای بسیار کارا تر از آنچه در فرهنگ های سنتی بود، می سازد.

باید گفت یکی از هدف های اصلی آموزش و پرورش رسمی(آموزش مدرسه ای و اجباری و همگانی) ادغام مردم خارج از کشورهای پیشرفته در حیطه نفوذ و نظارت این کشورها و انحصارات آن ها بوده است.

شکی نیست که مدرسه به برخی از مستعمرات کمک کرد تا در وضعیت استعماری کارکرد بهتری داشته باشند ولی موضوع اصلی این است که آیا مردمانی که جزء خاک یک امپراتوری می شدند اگر الگوی دیگری را برای توسعه اختیار می کردند وضعشان بهتر می شد یا نه؟

رهاورد مدرسه سلطه اروپا(پیش از ظهور آمریکا) و منافع اقتصادی آن ها بوده است و می بینیم که جز لا ینفک این امپراتوری ها بوده و خواهد بود.

با مدرسه، تربیت و آموزش همگی در خدمت نظام سرمایه داری درآمدند و این به اشاعه فرهنگ و تفکر اروپاییان(و بعد آمریکاییان) و تربیت نیروی کاری و فکری آن ها کمک کرد!

از آن پس توسعه به معنای توسعه شاخص های اقتصادی در جهان مرجع شد و تربیت های اخلاقی،انسانی و...نه تنها به حاشیه رانده، بلکه حذف شدند و تربیت در خدمت توسعه و امپریالیسم فرهنگی در آمد!

خدمت رسانی دارم باید دستگیری کنم تا خداوند دست مرا در تنگنا بگیرد. نزدیک یک سال کامل هم تدریس داشت هم کار می کرد. عزیز جان به او میگفت اقا معلم کوچک. یک روز داشتم چادرم را وصله میزدم که صدای در زدن آن هم محکم گوشم را تکان داد. ترسیدم و چند ثانیه همینطور ماندم دوباره دویدم سمت در حیاط و گفتم آمدم...آمدم. در را باز کردم دیدم محمد بود. گف زهرا سریع برو و یک ساک دستی برایم بیاور. گفتم چه شده گفت فقط بیاور. ساک برایش آوردم خودش هم دنبالم آمد. قرآن پدرم و تسبیح مادرم را نیز برداشت. گفتم محمد تو را به جان پدر بگو چه شده. گفت می خواهم بروم جبهه. آنجا به وجود امثال من نیاز دارند. من باید دینم را به خاکم ادا کنم. نمیتوانم دست رو دست بگذارم.

گفتم توام داری اینجا خدمت می کنی. گفت خدمت نیست چرا که در قبال وظیفم مزد کارم را می گیرم. اما جهاد است که اجرش برایم می ماند. اشک اجازه نمیداد چهره ی مظلوم برادرم را به خوبی ببینم. گفتم برادر تو که می دانی غیر تو کسی را ندارم. اگر شهید شوی یا اسیر شوی من چکار کنم. آمد جلو . بغض گلویش اجازه نداد حرف بزند. سکوت کرد. بعد از چند دقیقه گفت خواهرم فقط برایم دعا کن شهید شوم. آرزویی است که از کودکی داشتم الآن که میتوانم این آرزو را برآورده کنم چرا این کار را نکنم؟

سرم را بوسید و گفت خواهرم من می روم معلوم نیست که برگردم یا شهید شوم اما تورا فقط به خدا می سپارم . خدایی که تن سالم داده، عزت داده، غیرت و شرف داده. این ها هدیه گران بهایی است که خداوند به هیچ کس نمی دهد اما به من و تو ارزانی داشته. پس دست تورا به او می سپارم. حالا اگر اجازه دهی بروم که از قافله جا نمانم.

اشک چشمانم تمام پیراهنش را خیس کرده بود. دستانم را بوسید و گفت خواهر گلی من که گریه بلد نیست. عزیز جان خانه نبود، من و محمد به اندازه تمام سال هایی که رنج کشیدیم گریه کردیم. نمی دانستم چکار کنم اما به رسم همیشگی مادرم او را از زیر قرآن رد کردم و یک کاسه آب پشت سرش ریختم و بدرقه اش کردم. نمی دانستم که این رفتن دیگر برگشتنی ندارد. محمد رفت و من هر روز منتظر بودم خبری از او به دست مان برسد. معلم کوچک خانه ی ما هیچ وقت برنگشت و من همچنان بعد از این همه سال منتظر پلاکش هستم...

خاطره ای از شهید:محمد معظمی گودرزی



_در پی نامه اهانت آمیز وزیر علوم به رهبری معظم برای حذف و تضعیف دانشگاه فرهنگیان،بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند در نامه ای به مجمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی استان لرستان خواستار استیضاح وزیر علوم و انحصار جذب معلم از طریق دانشگاه فرهنگیان شدند.

بانک خبری بسیج



_نشریه صوتی و تصویری متنا بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند با سردبیری عاطفه جدایی ایجاد و شروع به کار کرد.



وَ قَالَ (عليه السلام): مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ اِِمَامًا، قَلْبًا يَنْتَعِلُ
نَفْسَهُ قُل تَعْلِمُ غَيْرَهُ، وَ لَيْكُنْ تَادِيَةً سَبِيْرَتَهُ قَبْلَ تَادِيَةِ بِلْسَانِهِ، وَ
مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا، اَخْبِقْ بِالْاِخْلَاقِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ

و درود خدا بر او، فرمود: کسی که خود را رهبر مردم قرار داد،
باید پیش از آن که به تعلیم دیگران بردارد، خود را بسازد، و پیش
از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که
خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تنظیم است از آن که
دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد. حکمت ۷۳ نهج البلاغه

مَنتَنّا

معلم تمدن ساز خوین اسلامی

گاهنامه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد

سال دوم، شماره چهارم، چاپ آذر
مجموع انتشار نشریه در جلسه شماره یک کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه فرهنگیان مورخ ۱۳۹۹/۷/۹ صادر گردید.

قیمت : صلوات

مکتب امامین انقلاب



به قلم محبوبه توکلی

بسیاری از اوقات الفاظ خیلی الفاظ جالبی است و سرپوش از برای چیزهایی است که جالب نیستند. آموزش و پرورش، هر دو لفظ از الفاظ جالب است و در زمان طاعوت هم وزارت آموزش و پرورش داشتیم. انجمن اسلامی که الان در تمام ایران هست، این هم لفظ جالبی است که همه می دانید که این لفظ نمایش این است که اسلام را ما می خواهیم پیش ببریم. لکن ما، هم در آموزش و پرورش گرفتار الفاظ بودیم و هم در انجمن های اسلامی گرفتار الفاظ. در زمان طاعوت آموزش می گفتند و پرورش، لکن شما ملاحظه کنید آموزش ها چه بود و پرورش ها چه. انسان خیال می کرد که آموزش صحیح هست. آموزش چیزهایی است که ملت ما به آن احتیاج دارند. آموزش علمی است که ملت ما را بعد از چندی خودکفا کند. و پرورش هم به نظر می آمد برای آدم غافل که یک پرورش صحیحی است، که انسان هایی که در آنجا آموزش می بینند پرورش هم می بینند، و وقتی که از این مدارس، دانشگاه ها و غیر دانشگاه ها بیرون آمدند یک اشخاصی هستند که در جهت آموزش برای وطن خودشان مفید، و در جهت پرورش صاحب اخلاق کریمه، آداب صحیح، عقاید صحیح و اینطور چیزها. لکن شما دیدید و ما دیدیم که آن دستاوردهای فرهنگ ما، دانشگاه های ما چه بودند و چه اشخاصی بوده اند. تحصیلات چه جور تحصیلی بود و آموزش چه آموزشی بود و برای چه مقصدی بود. اگر آموزش یک آموزش مایحتاج ایران بود و برای ایران بود، ما بعد از پنجاه سال یا کمتر یا بیشتر دارای مدارس عالییه بودیم به اصطلاحشان، نباید حالا یک مرضی که یک قدری مرضش پیچیده است، اطباء اینجا بگویند که این نمی شود اینجا، بروند خارج. بعد از پنجاه سال، این همه خرج های فوق العاده، این همه گرفتاری های فوق العاده و این همه دانشگاه ها و مدارس، ما حالا یک مرضی که یک قدری مرضش چه باشد باز باید کوچ کنیم از اینجا و برویم انگلستان یا آمریکا. دانشگاه چه کرده در این پنجاه سال. این هایی که می گویند که ما دانشگاه را حفظ کردیم، و ما دانشگاه را چه کردیم، خوب بیایند بگویند ببینیم که این دانشگاه در این پنجاه سالی که طاعوت بود و شما هم خدمتگزار طاعوت، چه کردید.

صاحب امتیاز نشریه:

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد

مدیر مسئول:

زهره خزایی

سردبیر:

زهره سلیمانی

اعضای هیئت تحریریه:

شیرین حسنونند، سارا جعفری، زهره فلاحي، طیبه صابری، آمنه شیروانی

پور، زهره بیرانوند، فاطمه پیرداده، فاطمه پور مریدی، فاطمه گودرزی

معظمی، محبوبه توکلی، نگار دالوند، سارا شاهی وند، مریم عمید، عاطفه

جدایی، زهره فرهادی پور، فاطمه سرمدی، حنا نه گودرزی

طراح نشریه:

حنا نه گودرزی

سردبیر صوتی و تصویری نشریه:

عاطفه جدایی

اعضای صوتی و تصویری نشریه:

زهره زمانی، شیدا اسداللهی، فاطمه کمالی، محدثه صفایی راد، آیدا کریم پور

صفحه بسیج دانشجویی در اینستاگرام:

Matna_basij_kamalvand

صفحه بسیج دانشجویی در توئیتر:

Matna_bso



بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد

اولین توییت متنا، داغ ترین هشتگ متنایی مدت اخیر را برای شما به اشتراک می گذارد. هشتگ **#استیضاح_وزیر_علوم**، این هشتگ در واکنش به نامه وزیر علوم به رهبر انقلاب مبنی بر جایگزینی جذب معلم از کنکور سراسری به جذب معلم از فارغ التحصیلان دیگر دانشگاه منتشر و در فضای توئیتر ترند شد.

zohreh khazael
@sahel50419432
آقای وزیر علوم اگر به فکر توسعه کمی و کیفی آموزش و پرورش بودید این هزینه های پیش رو را برای دانشگاه فرهنگیان می کردید و در جهت تعالی این دانشگاه دخیل می شدید نه اینکه دست به چنین اقدامی برای نابودی این نهاد تربیتی در آینده ای نه چندان دور بزنید. **#استیضاح_وزیر_علوم**

misagh_shamsini
@MisaghShamsini
چرا مخالفید؟؟
اگر بتوانیم فرایند تربیت معلم را از چهار به یک سال کاهش دهیم هم در زمان صرفه جویی کرده ایم و هم در هزینه ها
حالا یک عده معلم ۳۰ الی ۴۰ ساله که در سن ۶۰ سالگی بازنشست می شوند به جای **#جوانان_با_انگیزه** ۲۲ ساله وارد مدارس شوند مگر چه می شود؟ **#استیضاح_وزیر_علوم**

Atfe
@Atfe49526284
بماند در تاریخ که وزیر علوم کشوری خواستار حذف دانشگاهی شد که هدفش تربیت تمدن سازان آینده بود...
#استیضاح_وزیر_علوم
Twitter for Android u00B7 ۲۰ نوامبر ۲۵ · ۲۱:۰۰

متنا(معلم تمدن ساز نوین اسلامی)
@matna_bso
دانشگاه فرهنگیان نواقصی دارد که نیاز به همت جدی برای رفع آنان است اما سوال این است که به جای بهتر شدن چرا به نابودی می کشانید ؟
با **#استیضاح_وزیر_علوم** معلوم میشود دلیل خراب کردن به جای آبادی چیست !: /

فرنگیس ذوالفقاری پور (اکانت دوم)
@F_zolfaghari
مسئولین اقتصادی دولت در این هفت سال اونچناناااا رونقی شکل دادند که قریب به اکثر دانشجویان فارغ التحصیل دانشگاههای ملی بیکار هستند و دیگر مسئولین آنان را برای آپ.پ نسخه می پیچند تا با مخالفتهای دانشجوی معلمان دو طرف را به جان هم بی اندازند !
#استیضاح_وزیر_علوم

زهره سلیمانی
@zahrrasoleimani
آقای وزیر فقط یک سوال؛ در ابتدایی ترین نگاه دانشجویی که چهارسال ذهنش برای کارهای دیگری کانالیزه شده است آیا می تواند وارد دانشگاهی با فضایی دیگری چون دانشگاه مهمی مانند دانشگاه فرهنگیان شود و بقول جنابعالی مهارت های شایسته را کسب کند؟
#استیضاح_وزیر_علوم

مصطفی حاتمی @mostaf... ۲۵۰ نوامبر
شما هر جای دنیا بگی وزیر علوم کار خودش رو درست انجام نداده و داره توی کار یه نهاد دیگه دخالت میکنه؛ ازت تست الکل میگیرن!!

حنا نه بانو
@Hananehg77
کاش یک بار هم که شده نامه ای برای گسترش زیر ساخت های دانشگاه فرهنگیان، جهت تربیت شخصیت معلمی در این دانشگاه نوشته می شد. اما چه کنیم که همیشه به این دانشگاه و آموزش و پرورش نگاه هزینه ای شده فرهنگ هزینه بردار نیست آقای وزیر....
#استیضاح_وزیر_علوم

فاطمه قره داغی
@fateme_h_qdi
کجای دنیا دیدید دانشجویهای یه دانشگاه زور بزنان دانشگاهشونو نجات بدن؟ /:
واقعا خنده داره
دلم برای خودمون سوخت :)
#استیضاح_وزیر_علوم
Twitter for Android u00B7 ۲۰ نوامبر ۲۵ · ۲۱:۴۸

رفیق آوینی
@shieh99
آقای وزیر علوم! اگر جایگاه و شأن معلم را درک کرده بودید؛ برای آینده فرزندان ملت نسخه نمی پیچیدید ...
#استیضاح_وزیر_علوم

امیرحسین محقق
@mohaghegh_amirh
مگر آموزش و پرورش بی صاحب است که شما برایش تصمیم میگیرید
آقای وزیر علوم بهتره که بری تو اتاق و به کار زشت فکر کنی
#استیضاح_وزیر_علوم
Twitter for Android u00B7 ۲۰ نوامبر ۲۵ · ۲۱:۴۷